

طرح پژوهش

رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی

■ دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

و اجرا (منصوریان، ۱۳۹۱) در همین نشریه منتشر شده است. مدتی پس از استقبال از مطالعات کیفی، موج سومی در این حوزه ایجاد شد که در آن، سخن از همسویی و همگرایی نگاه کمی و کیفی در پژوهش‌های ترکیبی یا آمیخته^۲ بود. زیرا پژوهشگران دریافته‌اند که این ابزار بیش از آنکه در مقابل هم قرار داشته باشند، مکمل یکدیگرند و ترکیب این دو، به شناخت بیشتر از پدیده‌های مورد مطالعه کمک خواهد کرد. آثاری نیز در این زمینه منتشر شد، که انعکاسی از آنها در نقدهای قبلی این نشریه با عنوان مبانی روش‌های پژوهش آمیخته: ترکیب رویکردهای کمی و کیفی در علوم اجتماعی (منصوریان، ۱۳۹۰) دیده می‌شود.

به این ترتیب، در این سال‌ها کتاب‌های روش تحقیق در سه گروه کمی، کیفی و ترکیبی قابل تفکیک بودند که هر کدام به معرفی فقط یکی از این رویکردها اختصاص داشت. هرچند در برخی از آثار، اشاراتی نیز به رویکردهای دیگر دیده می‌شود، ولی محور بحث هر یک از آنها به یکی از این سه طبقه محدود است. اما پروفیسور جان دبلیو کرسول^۳ کتاب سودمندی تألیف کرده که در آن به معرفی و مقایسه این سه رویکرد پرداخته است. خوشبختانه با همت دکتر علیرضا کیامنش و دکتر مریم دانای طوس ویرایش سوم این اثر به فارسی ترجمه شده و اکنون در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

درباره نویسنده

پروفیسور کرسول، استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه نبراسکا لینکلن^۴ امریکاست، که با حدود سی سال سابقه تدریس و تألیف درباره روش‌های پژوهش کیفی و ترکیبی، یکی از چهره‌های برجسته در این زمینه محسوب می‌شود. او در کارنامه خود یازده کتاب و ده‌ها مقاله در زمینه روش‌شناسی پژوهش دارد که از آن جمله می‌توان به کتاب جست‌وجوی کیفی و طرح پژوهشی: انتخاب میان پنج رویکرد (کرسول، ۱۹۹۸ الف)؛ و پژوهش‌های تربیتی: طراحی، اجرا و ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی (کرسول، ۲۰۰۱) اشاره کرد.



■ کرسول، جان دبلیو. طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس. تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبائی، ۱۳۹۱. ۴۲۰ ص. شابک: ۰-۱۹-۷۸۰۶-۹۶۴-۹۷۸.

مقدمه

محتوا و ساختار کتاب‌های روش تحقیق منتشر شده در دو تا سه دهه قبل، گواهی روشن بر سیطره کمی‌گرایی در پژوهش‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی است. اما چند سالی است که با معرفی ویژگی‌ها و دستاوردهای پژوهش کیفی، محققان به سودمندی این رویکرد در پاسخ به بسیاری از پرسش‌های خود پی برده و از آن استقبال کرده‌اند. در نتیجه، به تدریج فضای تازه‌ای برای رونق مطالعات کیفی ایجاد شده، و این فضا پیوسته رو به رشد و گسترش است. به نحوی که در سال‌های اخیر، آثار متعددی برای آشنایی با اصول و مبانی پژوهش کیفی به بازار آمده و قبلاً نیز نقد و بررسی برخی از این آثار با عنوان درآمدی بر روش تحقیق کیفی (منصوریان، ۱۳۸۸) و پژوهش کیفی: راهنمای طراحی



اما طرفداران پارادایم
ساختن‌گرایی اجتماعی
به جای جست‌وجوی
روابط علی و معلولی
میان متغیرهای
مختلف، با بررسی
پدیده‌های فرهنگی و
اجتماعی در بافت و
بستر واقعی آنها در پی
فهم جهانی هستند که
در آن زندگی می‌کنند.
پژوهش‌های کیفی
در این پارادایم قرار
می‌گیرد و به همین
دلیل با نظریه و فرضیه
شروع نمی‌شوند،
بلکه با هدف پاسخ به
پرسش‌هایی مشخص
به گردآوری و تحلیل
استقرایی داده‌ها
می‌پردازند، که خود
می‌تواند مبنای ساخت
نظریه‌ای جدید باشد

می‌گیرد، که نخستین آن‌ها «انتخاب طرح پژوهش» است. در این فصل، توصیفی مختصر و مفید از مبانی نظری و فلسفی پژوهش ارائه شده، که هر محقق باید پیش از تدوین طرح تحقیق این مبانی را بداند. کرسول در تعریف طرح پژوهشی و انواع آن می‌نویسد: «طرح‌های پژوهشی، نقشه‌ها و شیوه‌هایی برای انجام پژوهش هستند که تصمیمات مختلف از مفروضات گسترده تا جزئیات گردآوری و تحلیل داده‌ها را در بر می‌گیرند. ... انتخاب طرح پژوهش نیز بر اساس ماهیت مسأله پژوهش یا موضوع مورد توجه، تجربیات شخصی پژوهشگر و مخاطبان آن شکل می‌گیرد» (ص ۳۴).

سپس به سه نوع طرح پژوهشی کیفی، کمی و ترکیبی اشاره می‌کند و با استناد به آثار پیشین می‌نویسد: «این سه رویکرد آن گونه که به نظر می‌رسد، مستقل از یکدیگر نیستند. رویکردهای کیفی و کمی را نباید قطب‌ها یا مقوله‌های متضاد فرض کرد. بلکه آنها معرف دو سوی یک پیوستار هستند. ... روش‌های پژوهشی ترکیبی در میانه این پیوستار قرار دارد، زیرا عناصری از رویکردهای کیفی و کمی را در خود دارد.»

کرسول پژوهش کیفی را رویکردی استقرایی برای کشف و درک معانی مشخصی می‌داند که افراد یا گروه‌های مختلف در بافتی طبیعی و واقعی، به یک مسأله یا پدیده اجتماعی نسبت می‌دهند. اما پژوهش کمی به آزمون نظریه‌های عینی از طریق بررسی روابط میان متغیرها می‌پردازد؛ متغیرهایی که می‌توان با استفاده از ابزار مختلف اندازه‌پذیر ساخت و با کمک راهبردهای آماری تجزیه و تحلیل کرد. روش پژوهش

همچنین ایشان در تدوین آثار متعدد دیگری در این زمینه مشارکت داشته است. فصل‌هایی با عنوان «پژوهش ترکیبی: درآمد و کاربرد» (کراسول، ۱۹۹۸ ب) و «ترکیب پژوهش‌های کیفی و کمی: معرفت‌شناسی، تاریخچه و طراحی» (کرسول و دیگران، ۱۹۹۶) نمونه‌هایی از این آثار است.

درباره مترجمان

دکتر علیرضا کیامنش، یکی از استادان و چهره‌های شاخص حوزه روش پژوهش و تحقیقات آموزشی در کشور است که پس از بازنشستگی از دانشگاه خوارزمی، فعالیت‌های علمی خود را در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی ادامه می‌دهد. ایشان در کارنامه پربار خود در کنار ده‌ها مقاله داخلی و بین‌المللی، چهار کتاب تألیفی و شانزده کتاب ترجمه‌ای دارند. از جمله این آثار می‌توان به ترجمه استدلال آماری در علوم رفتاری (شیولسون، ۱۳۸۰)؛ ارزشیابی آموزشی: مبانی سنجش توانایی و بررسی برنامه (ولف، ۱۳۷۵) و تألیف آمار پایه در علوم رفتاری (کیامنش، ۱۳۸۷) اشاره کرد. مترجم همکار در این اثر، دکتر مریم دانای طوس، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه گیلان و دانش‌آموخته دوره دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر از دو بخش و ده فصل تشکیل شده است. بخش نخست با عنوان «ملاحظات مقدماتی» چهار فصل را در بر

یکی از امتیازهای این اثر، توجه همزمان به سه رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی است، بی آنکه تعصب یا سوگیری خاصی نسبت به هیچ کدام داشته باشد

ترکیبی به معنای استفاده همزمان از دو رویکرد کیفی و کمی در یک پژوهش است و از نقاط قوت هر دو بهره می‌گیرد. در ادامه این فصل کرسول مبانی فلسفی پژوهش را - که معمولاً با نام پارادایم یا الگوواره مطرح می‌شود - با عنوان «جهان‌بینی‌های فلسفی» معرفی می‌کند. او جهان‌بینی را مبنای جهت‌گیری کلی پژوهشگر درباره جهان و ماهیت پژوهش می‌داند که به پذیرش یکی از رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی منجر می‌شود.

سپس کرسول به تبیین چهار جهان‌بینی پسااثبات‌گرایی، ساختن‌گرایی، مدافعه‌ای/مشارکتی و عمل‌گرایی^۵ می‌پردازد. در توصیف ویژگی‌های پسااثبات‌گرایی، کرسول به چهار ویژگی علیت‌پذیری، تقلیل‌گرایی، اندازه‌گیری تجربی و آزمون نظریه اشاره می‌کند و پژوهش‌های سنتی کمی را در این چارچوب قرار می‌دهد.

اما طرفداران پارادایم ساختن‌گرایی اجتماعی به جای جست‌وجوی روابط علی و معلولی میان متغیرهای مختلف، با بررسی پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی در بافت و بستر واقعی آنها در پی فهم جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. پژوهش‌های کیفی در این پارادایم قرار می‌گیرد و به همین دلیل با نظریه و فرضیه شروع نمی‌شوند، بلکه با هدف پاسخ به پرسش‌هایی مشخص به گردآوری و تحلیل استقرایی داده‌ها می‌پردازند، که خود می‌تواند مبنای ساخت نظریه‌ای جدید باشد.

سومین پارادایم مورد بررسی در این فصل، جهان‌بینی مدافعه‌ای/مشارکتی است که محصول انتقاد گروهی از محققان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است. ایشان بر این باور بودند نظریه‌های مبتنی بر پسااثبات‌گرایی، گروه‌ها و افراد به حاشیه رانده شده و منزوی را نادیده می‌گیرد. بنابراین آنان طرفدار رویکردی رهایی‌بخش^۶ هستند که در آن، پیوندی واقعی میان مطالعات پژوهشی و سیاست‌های اجتماعی برقرار سازند تا به شنیدن صدای گروه‌های منزوی منجر شود و اصلاحاتی برای بهبود وضعیت و توانمندسازی آنان فراهم آورد. در جهان‌بینی عملگرایانه نیز، پژوهشگران به جای تمرکز بر روش‌ها، بر مسأله پژوهش و استفاده از همه رویکردهای موجود برای فهم بهتر آن تأکید می‌کنند و معمولاً رویکرد ترکیبی را ترجیح می‌دهند.

در ادامه این فصل، گزیده‌ای از راهبردهای هر یک از سه رویکرد مور بحث معرفی می‌شود. در رویکرد کمی به پژوهش‌های آزمایشی و پیمایشی؛ در رویکرد کیفی به پژوهش روایتی، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و مطالعه موردی؛^۷ و در رویکرد ترکیبی به روش‌های زنجیره‌ای، همزمان و تحولی^۸ اشاره شده است. البته توصیف ارائه شده درباره هر یک از این روش‌ها بسیار مختصر و گذراست، ولی نویسنده با استناد به آثار مرتبط، امکان یافتن جزئیات بیشتر را

فراهم آورده و در سه فصل پایانی کتاب نیز به آنها می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «بررسی پیشینه پژوهش» راهنمای کاربردی و مفید برای مرور پیشینه تحقیق است. در این فصل، ضمن تبیین اهمیت پیشینه در طرح پژوهشی، هفت گام اساسی برای گردآوری و استفاده از منابع معرفی شده که عبارتند از: شناسایی کلیدواژه‌ها، جست‌وجو در منابع چاپی و الکترونیکی، رتبه‌بندی آثار جست‌وجو شده، مطالعه اجمالی و مرور آثار مرتبط، ترسیم نقشه‌ای برای دسته‌بندی منابع گرد آمده، خلاصه‌نویسی از آثار مفیدتر و در نهایت، جمع‌بندی تحلیلی از پیشینه.

عنوان فصل سوم «کاربرد نظریه» است که ضمن ارائه تعاریف متعدد از نظریه، جایگاه آن را در مطالعات کمی، کیفی و ترکیبی مشخص شده است. کرسول در ابتدای این فصل نظریه را مجموعه‌ای به هم مرتبط از سازه‌ها یا متغیرها معرفی می‌کند که شکل گزاره یا فرضیه دارد و رابطه میان متغیرها را با توجه به مقدار و جهت آنها مشخص می‌سازد. نظریه‌ها که ممکن است به صورت استدلالی، تفسیری یا منطقی ارائه شوند، در یکی از سطوح خرد، میانی یا کلان به تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها و رخدادها کمک می‌کنند. معمولاً نظریه‌ها در قالب مجموعه‌ای از فرضیه‌ها، یا گزاره‌های منطقی «اگر - آنگاه» یا مدل‌های شماتیک و ترسیمی بیان می‌شوند.

نظریه در مطالعات کمی برای تبیین یا پیش‌بینی روابط میان متغیرها کاربرد دارد و پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق بر اساس آن تدوین می‌شود. اما در مطالعات کیفی، محقق بر نظریه‌های پیشین تکیه نمی‌کند، و اگر بخواهد از نظریه‌ای بهره گیرد، آن نظریه بیشتر نقش لنزی نظری یا چشم‌اندازی را دارد که به او برای بهتر دیدن پدیده مورد مطالعه کمک می‌کند. ضمن آنکه در برخی از مطالعات کیفی، نظیر آنچه در روش داده‌بنیاد انجام می‌شود، محقق بر اساس تحلیل استقرایی داده‌های گرد آمده در تحقیق، درصدد تدوین نظریه‌ای تازه و نوین است.

فصل چهارم درباره «راهبردهای نگارش و ملاحظات اخلاقی» است و در آن الگویی برای تدوین پیشنهاد پژوهش در مطالعات کمی، کیفی و ترکیبی ارائه شده است. مقایسه این سه الگو برای خواننده بسیار سودمند است. به‌ویژه آنکه انعکاسی از مباحث مطرح شده در فصول قبلی در این قالب‌ها دیده می‌شود. در ادامه توصیه‌های مفیدی برای بهبود کیفیت نگارش ارائه شده که اغلب آنها کاملاً کاربردی و عملی است. مثلاً تأکید بر معلوم‌نویسی به جای استفاده از افعال مجهول، استفاده از افعال کنشی، رعایت تناسب زمان افعال با متن، پرهیز از زیاده‌گویی و اطناب کلام، رعایت انسجام در میان اجزاء متن و ساده‌نویسی، از توصیه‌های مفید این فصل است. همچنین پیشنهادهایی عملی برای ایجاد عادت به نوشتن



نظریه در مطالعات
کمی برای تبیین
یا پیش‌بینی روابط
میان متغیرها کاربرد
دارد و پرسش‌ها و
فرضیه‌های تحقیق
بر اساس آن تدوین
می‌شود. اما در
مطالعات کیفی، محقق
بر نظریه‌های پیشین
تکیه نمی‌کند، و اگر
بخواهد از نظریه‌ای
بهره گیرد، آن نظریه
بیشتر نقش لنزی
نظری یا چشم‌اندازی
را دارد که به او برای
بهتر دیدن پدیده
مورد مطالعه کمک

می‌کند. ضمن آنکه
در برخی از مطالعات
کیفی، نظیر آنچه
در روش داده‌بنیاد
انجام می‌شود، محقق
بر اساس تحلیل
استقرایی داده‌های
گرد آمده در تحقیق،
در صدد تدوین
نظریه‌ای تازه و نوین
است

درون حوزه وسیع پیشینه علمی جای دهد و مخاطبان خود را مشخص سازد» (ص ۱۸۲).

نویسندگان در ادامه برای تحقق این هدف، مدلی پنج قسمتی برای تدوین مقدمه پیشنهاد می‌کند. در این مدل با رویکردی روایتی مسأله پژوهش بیان می‌شود. سپس با مروری مختصر از پیشینه مرتبط به آن، ذهن خواننده برای پرداختن به مراحل بعدی آماده می‌گردد. در بخش سوم مقدمه لازم است یک یا چند نقص و کاستی در پیشینه برجسته شود؛ کاستی‌هایی که مطالعه مورد نظر قصد ترمیم آنها را دارد. بخش چهارم به اهمیت این مطالعه برای مخاطبان خاص اشاره می‌کند و در بخش پایانی، هدف تحقیق تبیین می‌شود.

فصل ششم بر همان سبک و سیاق فصل‌های پیشین به چگونگی تبیین هدف پژوهش در مطالعات کمی، کیفی و ترکیبی می‌پردازد. کراسول معتقد است در یک گزارش پژوهشی، بیان «هدف پژوهش» که معمولاً در پایان مقدمه قرار می‌گیرد، قصد اصلی کل مطالعه را پایه‌ریزی می‌کند و به همین دلیل، مهم‌ترین نکته در تمام مطالعه است و باید کاملاً روشن و بدون ابهام باشد. در این فصل توصیه‌هایی در این زمینه دیده می‌شود که با مثال‌های مناسبی از سایر آثار همراه شده است.

فصل هفتم با ساختاری مشابه به چگونگی تدوین پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش می‌پردازد. کراسول در این فصل با اشاره به تفاوت‌های پرسش‌ها در سه

مطرح شده که تمرین مناسبی در این زمینه محسوب می‌شود. در ادامه این فصل، نویسنده به تبیین اصول اخلاقی در گام‌های مختلف پژوهش می‌پردازد. مثلاً او رعایت اخلاق در انتخاب مسأله پژوهش را در توجه به سودمندی موضوع برای افراد مورد مطالعه می‌داند و بر این باور است که پژوهشگر باید مسأله‌ای را برگزیند که حل آن به سود جامعه پژوهش باشد. رعایت این نکات اخلاقی در سایر گام‌های تحقیق نیز جلوه‌های متفاوتی دارد. بر این اساس، پژوهشگر باید در تدوین هدف و پرسش‌های پژوهش با مشارکت‌کنندگان در تحقیق صادق، و در خلال گردآوری داده‌ها مراقب باشد که هیچ آسیب روحی یا جسمی به آنان وارد نشود و حریم خصوصی آنان کاملاً محفوظ بماند. ضمن آنکه تمام داده‌های گرد آمده باید با اطلاع و رضایت گروه مورد مطالعه باشد و اصل محرمانه ماندن نام آنان به دقت رعایت شود. در ادامه نیز توصیه‌های دیگری برای رعایت اخلاق پژوهش در سایر مراحل تحقیق مطرح شده است.

فصل پنجم، آغازگر بخش دوم کتاب است. این فصل به تشریح اهمیت مقدمه در تدوین انواع گزارش‌های پژوهشی، اعم از مقاله و پایان‌نامه، اختصاص دارد. کراسول در ابتدای این فصل درباره اهمیت مقدمه می‌نویسد: «... مقدمه زمینه‌ساز کل مطالعه است ... و با بیان اطلاعات مربوط به مسأله پژوهش، مسأله یا دغدغه منجر به پژوهش را مشخص می‌سازد. ... مقدمه باید علاقه خواننده را به موضوع پژوهش جلب کند، مسأله منجر شده به مطالعه را پی‌ریزی کند، مطالعه را در

رویکرد می‌نویسد: «پژوهشگران کیفی حداقل یک سؤال اصلی، و چند سؤال فرعی را مورد پرسش قرار می‌دهند. آنان سؤال‌های خود را با واژه‌هایی مثل «چگونه» یا «چه چیز» شروع، و از افعال توضیحی مانند «تشریح کردن» یا «توصیف کردن» استفاده می‌کنند» (ص ۲۴۵). اما در پژوهش‌های کمی، ابتدا فرضیه‌ها و متغیرها توصیف و سپس به هم مرتبط می‌شوند. در این مطالعات هرچند پرسش پژوهشی وجود دارد، اما معمولاً در بیان رسمی‌تر، فرضیه‌های پژوهش تبیین می‌شوند.

فصل هشتم اختصاصاً به توصیف رویکرد کمی در پژوهش می‌پردازد و برخی از روش‌های مهم، از جمله طرح‌های پیمایشی، آزمایشی و شبه‌آزمایشی را معرفی می‌کند. نویسنده در معرفی پیمایش می‌نویسد: «طرح پیمایشی با مطالعه یک نمونه از جامعه، از روندها، نگرش‌ها یا عقاید آن جامعه، توصیفی کمی یا عددی فراهم می‌آورد. پژوهشگر نتایج حاصل از مطالعه نمونه را به کل جامعه تعمیم می‌دهد، یا درباره کل جامعه نتیجه‌گیری می‌کند» (ص ۲۵۳).

از دیگر مباحث مطرح در این فصل می‌توان به ابزارسازی، متغیرهای مطالعه، شیوه‌های آزمایشی، روایی و پایایی اشاره کرد.

فصل نهم درباره رویکرد کیفی است و در آن ویژگی‌های این رویکرد به دقت و با تفصیل معرفی شده است. کرسول در معرفی این ویژگی‌ها به عواملی همچون موقعیت طبیعی، استفاده از منابع چندگانه داده‌ها، تحلیل استقرائی، نقش شرکت‌کنندگان در معنابخشی، ماهیت اکتشافی و نقش کلیدی پژوهشگر اشاره می‌کند. در ادامه، شیوه‌های ثبت داده‌ها با استفاده از مشاهده، مصاحبه، اسناد و مطالب دیداری - شنیداری معرفی می‌شود. در پایان نیز ضمن اشاره به چگونگی تحلیل و تفسیر داده‌ها، مباحثی همچون پایایی، روایی، فقدان تعمیم‌پذیری و همچنین شیوه نگارش گزارش معرفی شده است.

فصل دهم - که فصل پایانی کتاب است - به معرفی شیوه‌های روش ترکیبی اختصاص یافته و در آن، راهبردهای کاربردی در این زمینه معرفی شده‌اند. تأکید این فصل، بر تلفیق روش‌های کمی و کیفی برای رسیدن به شناخت بهتر از پدیده مورد مطالعه است.

امتیازها و کاستی‌ها

کتاب حاضر اثری سودمند و کاربردی است که با نثری ساده و روان، نکته‌های کلیدی طراحی و اجرای مطالعات کیفی، کمی و ترکیبی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. انسجام و پیوستگی میان مطالب، انعکاس روشنی از دانش

و تجربه نویسنده اثر است؛ نویسنده‌ای که در کارنامه خود سال‌ها تجربه تدریس روش تحقیق و راهنمایی‌دهی رساله و پایان‌نامه را دارد و به خوبی توانسته آن را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

یکی دیگر از امتیازهای این کتاب، رویکرد آموزشی آن است، که با معرفی منابع تکمیلی در انتهای هر فصل و افزودن تمرین‌هایی برای کاربرد مهارت‌های معرفی شده به خوبی محقق شده است. ضمناً کرسول در بیان هر موضوع ضمن استناد به سایر منابع، در مواردی فروتنانه اذعان داشته اثر دیگری می‌شناسد که موضوع مورد نظر را با جزئیات بیشتر توضیح داده، و بهتر است خوانندگان برای فهم عمیق‌تر به آن مراجعه کنند. ضمن آنکه با دقت و حوصله، توصیف مختصر و مفیدی از تمام منابعی که در پایان هر فصل معرفی کرده، به قلم خود در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. این رویکرد متواضعانه، نشان روشنی از روحیه علمی اوست که اثر خود را در مجموعه‌ای از آثار مرتبط می‌بیند. نه ادعایی بر برتری آن دارد و نه درصد کم‌رنگ جلوه دادن تلاش دیگران است، بلکه تلاش آنان را ارج می‌نهد و با استنادهای بجا و توصیف‌های دقیق، خوانندگان را به این منابع ارجاع می‌دهد.

امتیاز دیگر این اثر، توجه همزمان به سه رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی است، بی‌آنکه تعصب یا سوگیری خاصی نسبت به هیچ‌کدام داشته باشد. آنچه او عرضه می‌کند، ویژگی‌ها و امتیازهای این سه رویکرد است، تا خواننده خود به مقایسه میان آنها بپردازد. ضمن آنکه نویسنده تأکید می‌کند این سه رویکرد بیش از آنکه متضاد باشند، در پیوستاری منطقی مکمل یکدیگرند و هر یک ابزارهای خاصی برای شناخت پدیده مورد مطالعه در اختیار ما قرار می‌دهند. به سخنی دیگر، رونق پژوهش کیفی در سال‌های اخیر به معنای نفی رویکرد کمی نیست، و پژوهش ترکیبی نیز تلاشی برای همگرایی این دو رویکرد و ارتقاء توان تحلیلی مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است.

خوشبختانه امتیازها و ویژگی‌های مثبت این اثر به خوبی در ترجمه آن منعکس شده و مترجمان محترم ضمن وفاداری به متن اصلی، در ارائه نثری سلیس و روان موفق بوده‌اند. بی‌تردید دانش و تجربه آنان در حوزه روش تحقیق و تسلط بر زبان انگلیسی، در انتقال موفق مفاهیم مؤثر بوده است.

در کنار تمام امتیازهای این اثر، بدیهی است نکته‌هایی در تدوین آن مغفول مانده، که با رعایت این نکات، بر سودمندی آن افزوده می‌شد. نخست آنکه جای یک مقدمه یا پیشگفتار از مترجمان خالی است. معمولاً برای خوانندگان آثار ترجمه شده این پرسش مطرح

2. Mixed Methods Research
3. John W. Creswell (<http://johnwreswell.com/>)
4. University of Nebraska-Lincoln (<http://www.unl.edu/>)
5. Postpositivism, Constructivism, Advocacy/ Participatory, Pragmatism
6. Emancipatory
7. Narrative Research, Phenomenology, Ethnography, Grounded Theory, Case Study
8. Sequential, Concurrent and Transformative Mixed Methods Procedure

اساساً هدف از نمایه،

کمک به خواننده در

یافتن سریع مفاهیم

در درون متن است،

اما نمایه کتاب چنین

کارکردی ندارد

مآخذ

شیولسون، ریچارد (۱۳۸۰). استدلال آماری در علوم رفتاری. ترجمه علیرضا کیامنش. تهران: جهاد دانشگاهی، واحد دانشگاه علامه طباطبایی.

کیامنش، علیرضا (۱۳۸۷). آمار پایه در علوم رفتاری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). «پژوهش کیفی: راهنمای طراحی و اجرا». کتاب ماه کلیات، شماره ۱۷۲، صص ۷۶-۷۹.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۰). «مبانی روش‌های پژوهش آمیخته: ترکیب رویکردهای کمی و کیفی در علوم اجتماعی». کتاب ماه کلیات، شماره ۱۶۰، صص ۶۶-۶۹.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). «درآمدی بر روش تحقیق کیفی». کتاب ماه کلیات، شماره ۱۴۷، صص ۳۴-۳۷.

ولف، ریچارد (۱۳۷۵). ارزشیابی آموزشی: مبانی سنجش توانایی و بررسی برنامه. ترجمه علیرضا کیامنش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Creswell, J. W. (2001). Educational research: Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research. Columbus, OH: Merrill/Prentice-Hall.

Creswell, J. W. (1998). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions. Thousand Oaks, CA: Sage.

Creswell, J. W. (1998). Mixed method research: Introduction and application, In G. Cizek (Ed), Handbook of Educational Policy, San Diego, CA: Academic Press.

Creswell, J.W., Goodchild, L., & Turner, P. (1996) Integrated qualitative and quantitative research: Epistemology, history, and designs. In J. Smart, Higher education: Handbook of Theory and Research, Vol. XI., pp. 90-136. New York: Agathon Press.

است که چه انگیزه و هدفی از انتخاب این اثر خاص وجود داشته و مترجمان چه توصیه یا توصیه‌هایی برای خوانندگان دارند.

چند کاستی جزئی دیگر نیز دیده می‌شود که بیش از آنکه متوجه نویسنده و مترجمان باشد، ناشی از کم‌دقتی ناشر است. یکی آنکه در طرح روی جلد و عطف کتاب، اشکال تایپی وجود دارد و کلمه رویکردها به اشتباه «رویکرها» چاپ شده است، ضمن آنکه در عنوان اثر نکات مربوط به فاصله علائم سجاوندی و حروف رعایت نشده است. نکته دیگر به نمایه نه‌چندان کارآمد کتاب مربوط می‌شود، که البته به اشتباه با عنوان «واژه‌نامه» معرفی شده است. اساساً هدف از نمایه، کمک به خواننده در یافتن سریع مفاهیم در درون متن است، اما نمایه کتاب چنین کارکردی ندارد. مثلاً در صفحه ۴۱۷ در مقابل ترکیب «شیوه استقرایی» - که در این کتاب اهمیتی کلیدی دارد و در صفحات مختلف تکرار شده - فقط به یک صفحه اشاره شده و کلمه «استقرا» نیز اصلاً در نمایه نیامده است. ضمن آنکه از واژه مرتبط با آن یعنی «قیاس» نیز در نمایه خبری نیست. در مقابل، برای کلمه «عنوان» که بعید است خواننده با چنین واژه‌ای قصد جست‌وجو در متن را داشته باشد - و در نمایه‌سازی جزو کلمات حذفی محسوب می‌شود- به ده‌ها صفحه ارجاع شده، که عملاً هیچ سودی ندارد. ناهمگونی فونت در بخش‌هایی از کتاب، مثلاً در بخش تمرین‌های نوشتاری، از دیگر نشانه‌های شتابزدگی ناشر در آماده‌سازی این اثر است. البته بدیهی است که عملکرد ناشر از ارزش محتوایی این اثر نمی‌کاهد و اشاره به این نکته‌های کوچک، فقط جنبه یادآوری دارد تا در چاپ‌های بعدی کتاب اصلاح شود.

سخن پایانی

در مجموع، کتاب حاضر اثری مفید و ارزشمند در حوزه روش تحقیق است و برای مخاطبان آن بسیار سودمند خواهد بود. همان‌طور که در پیشگفتار کتاب آمده، مخاطب این اثر، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیئت علمی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی هستند. نویسنده کتاب با توجه به بازخوردهایی که از ویرایش قبلی دریافت کرده، آن را برای رشته‌هایی مثل مدیریت، بازاریابی، حقوق جنایی، مطالعات ارتباطی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پرستاری، مطالعات شهری و رشته‌های مرتبط به این حوزه‌ها مفید می‌داند، که البته ارزیابی درستی است.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir